

## رابطه میان الگوهای ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی، با میانجیگری مدیریت هیجانی و عزت نفس: مدلیابی ساختاری

راضیه اعتصامی پور\*

فریبرز باقری\*\*

مهدی زارع بهرام آبادی\*\*\*

### چکیده

الگوی ارتباط والد-فرزند، یکی از اجزای ضروری رشد کودکان است و بیشتر با مهم‌ترین موفقیت‌های کودکان، از جمله توانایی‌های اجتماعی و شناختی آنها مرتبط است. همچنین، پایه‌ای برای بیشتر جنبه‌های شخصیتی، نگرشی، احساسی و عادت‌های مردم است. پژوهش پیش رو، با هدف شناخت رابطه ساختاری الگوهای ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی با واسطه‌گری مدیریت هیجان و عزت نفس انجام شد. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل چهارصد تن از دانشجویان دانشگاه‌های جهرم بودند که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های الگوهای ارتباط والد-فرزند (باقری، ۱۳۹۲)، مهارت ارتباطی (کوبین دام، ۲۰۰۴)، مدیریت هیجانی (راجر و نشور، ۱۹۸۷) و عزت نفس (کوپراسمیت، ۱۹۶۷) را تکمیل کردند. نتایج تحلیل مسیر از نوع مدلیابی معادلات ساختاری، نشان دادند که مدل پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش مناسبی دارد و اثر مستقیم الگوی ارتباط والد-فرزند بر مدیریت هیجانی و عزت نفس تأیید شد. همچنین مدل نشان داد الگوی ارتباط والد-فرزند به واسطه عزت نفس بر مهارت‌های ارتباطی تأثیر دارد. نتایج بیانگر آن هستند که امنیت‌مداری پدر، عزت نفس و مدیریت هیجانی را پیش‌بینی می‌کند و امنیت‌مداری مادر، مدیریت هیجانی و آزادی‌مداری مادر عزت نفس را پیش‌بینی می‌کند و عزت نفس در مهارت‌های ارتباطی اثر دارد. **واژه‌های کلیدی:** الگوهای ارتباط والد-فرزند، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت هیجانی، عزت نفس.

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران  
r.eatesami@gmail.com

\*\* دانشیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)،  
F.Bagheri@srbiau.ac.ir

mz.bahramabadi@gmail.com

\*\*\* دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱  
تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

## مقدمه

از جمله مباحث رفتاری که امروزه افراد جوان با آن روبه‌رو هستند، ناتوانی در کنترل خشم، فقدان تاب‌آوری، مشکلات میان فردی، و بی‌ثباتی هیجانی‌اند. در مقابل، برخی موارد از قبیل تاب‌آوری، خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی، باعث تقویت توانایی‌های فردی به منظور افزایش شادی، رضایت از زندگی و بهبود کیفیت روابط اجتماعی و خانوادگی می‌شوند. در عین حال، الگوی ارتباط والد-فرزند، یکی از اجزای ضروری رشد کودکان است و بیشتر با مهم‌ترین موفقیت‌های کودکان، از جمله توانایی‌های اجتماعی و شناختی آنها مرتبط است. همچنین، پایه‌ای برای بیشتر جنبه‌های شخصیتی، نگرشی، احساسی و عاداتی مردم است (براتی و باقری، ۲۰۱۷).

به‌طور کلی، خانواده یک نهاد اجتماعی مهم، در جامعه است که در آن، خانواده‌های سالم و کارآمد قادر خواهند بود به رفاه عمومی جامعه کمک کنند. با این حال، با جهانی شدن سریع، خانواده دچار افزایش بحران شده و نیاز به نقش مؤثرتر خانواده، به‌ویژه در ارتباط با فرزندانشان احساس می‌شود. پدیده اجتماعی امروز نشان می‌دهد مشکلاتی که به‌ویژه در نوجوانی رخ می‌دهند، نتیجه شکست در کارکرد بهینه نهاد خانواده است. این مسئله بسیار نگران‌کننده است؛ زیرا تأثیرات منفی بر رشد روانی، جسمی، اقتصادی و توسعه فردی و خانوادگی جوامع و کشورها دارد. بنابراین، شناسایی اهمیت یک رابطه خانوادگی خوب، اثرات گوناگونی دارد و باعث تقویت چنین ارتباطی می‌شود (نه<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳).

امروزه روابط والد-فرزند، به صورت «دوسویه» شناخته می‌شوند (شهرآرای، ۱۳۸۴). زمانی که از رابطه والدین و فرزندان سخن گفته می‌شود، منظور رابطه‌ای است که متقابل و دوجانبه بوده و والدین، انتظارات و احساسات فرزند و نیازهای او را درک کرده، بر آنها توجه می‌کنند. به دیگر سخن، میان والدین به‌عنوان «پیام‌دهنده» و فرزند یا فرزندان، به منزله «پیام‌گیرنده»، مبادله پیام به‌طور صحیح و صریح انجام می‌شود (به‌پژوه، ۱۳۸۴). در سن نوجوانی، همچنان الگوی ارتباط والد-فرزند نقش خود را به صورت مؤثر ایفا می‌کند. ارتباط والد-نوجوان فرایندی است که در خلال آن افکار، نگرش‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و دانش‌ها میان والدین و نوجوانان منتقل می‌شود (جرمن و کنستانتین، ۲۰۱۰<sup>۲</sup> به نقل از کویتز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). از نظر روان‌شناختی و اجتماعی، نوجوانی با رشد تفکر انتقادی پیچیده‌تر، تصمیم‌گیری، استدلال فرضی، دیدگاه فزاینده مستقل از خود در جهان اجتماعی و تغییر نقش خانوادگی و اجتماعی (برنستین<sup>۴</sup> و همکاران،

1. Noh

2. Jarman &amp; Constantine

3. Coetzee

4. Bernstein

۲۰۰۶ به نقل از هرد و همپیل،<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) مشخص می‌شود. چالش‌ها در طول این دوره می‌توانند به احساسات ناامنی و بی‌ثباتی طیفی از پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی ناچیز (در اینجا اشاره به عوامل روانی اجتماعی است، آپتن، ۲۰۱۳ به نقل از هرد و همپیل، ۲۰۱۷) برای برخی از نوجوانان منجر شوند (برنستین و همکاران، ۲۰۰۶ به نقل از هرد و همپیل، ۲۰۱۷). پیامدهای روان‌شناختی شامل فرایندهای رفتاری و شناختی فردی و رفتارهای درونی (برای مثال، مشکلات هیجانی، نشانه‌های افسردگی) و بیرونی (شامل، اختلال سلوک، ضد اجتماعی) است. پیامدهای اجتماعی مرتبط با ساختارهای اجتماعی و تعاملات درون این ساختارها هستند و شامل پیامدهای آموزشی (مانند پیشرفت تحصیلی)، سوء مصرف مواد (مانند دخانیات الکلی)، و اعمال سقط جنین و جرایم سایبری است (هرد و همپیل، ۲۰۱۷).

به‌طور کلی نحوه تربیت والدین از مهم‌ترین و بادوام‌ترین علل اثرگذار بر جنبه‌های مختلف زندگی هر فرد است (باقری، ۱۳۹۲). پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه اثر شیوه‌های تربیتی والدین بر مهارت‌های ارتباطی فرزندان (رندل، ۲۰۱۶<sup>۲</sup>؛ آندرسون<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۳ به نقل از بورلاکا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ لپلد و جنسن،<sup>۵</sup> ۲۰۱۷؛ پانیسارارا<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۵) تنظیم و مهار هیجانی فرزندان (کلیک، وار، کومنداس،<sup>۷</sup> ۲۰۱۵؛ اسردکار،<sup>۸</sup> ۲۰۱۲) و عزت نفس نوجوان (ویدمن<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ چانگ، یان، چن،<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۸؛ کلارک،<sup>۱۱</sup> ۲۰۱۵) انجام گرفته‌اند. از این حیث، پژوهش پیش رو، با بررسی پژوهش‌های دیگر، مؤید اهمیت نحوه تربیت و اثربخشی رابطه والد-فرزندی در زمینه مسائل هیجانی، رفتاری و شناختی فرزندان است. به‌گونه‌ای که شیوه‌های فرزندپروری نامناسب، به پیامدهای نامناسبی از قبیل: گرایش به رفتار بزهکارانه (کتمان، ۲۰۱۳)، رفتار پرخاشگرانه و سطوح بالای هیجان منفی در خلال نوجوانی (پترسن و فیشر،<sup>۱۲</sup> ۲۰۰۲ به نقل از مارکووی، درن، ساسمن،<sup>۱۳</sup> ۲۰۱۲)، انزوای اجتماعی و اختلال‌های شخصیت (حیدرنیا،

1. Heerde & Hamplill
2. Rabdell
3. Anderson
4. Burlaka
5. Lippold, Jensen
6. Panisoraraa
7. Kilic, War, Kumandas
8. Osred Kar
9. Weidmann
10. Chang, Yuan, Chen
11. Clark
12. Patterson and Fisher
13. Marceau & Dorn & Susman

۲۰۰۵ به نقل از باقری و آشوری، ۲۰۱۳)، گرایش به استفاده از شیوه‌های ناسالم مدیریت هیجانی، مانند مصرف بیش از حد الکل (بکون،<sup>۱</sup> ۲۰۱۶) و... منجر می‌شود.

در بستر اطلاعات والد-فرزندی و نقش‌های دیگری که افراد را در تعامل با یکدیگر قرار می‌دهد، آنچه اهمیت دارد ارتباط است. روابط میان فردی موجب تقویت رابطه گرم و صمیمی ما با دیگران و به‌ویژه اعضای خانواده می‌شود و سلامت روانی و اجتماعی ما را بیش از پیش فراهم می‌سازد و به قطع روابط ناسالم خواهد انجامید (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶ به نقل از دهباشی و همکاران، ۱۳۹۴). ارتباط نامؤثر، موجب فاصله میان فردی عمیقی می‌شود که در همه جنبه‌های زندگی و همه بخش‌های جامعه تجربه می‌شود. پیامد فروپاشی ارتباط در بیشتر موارد، تنهایی، مشکلات خانوادگی، نداشتن صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشار روانی، بیماری جسمی و حتی مرگ خواهد بود (بولتون، ۱۳۸۴). با توجه به این توضیحات، برای برقراری روابط رضایت‌بخش، باید روش‌هایی کشف شوند که به ما کمک کنند تا دست‌کم بر روی بخشی از شکاف‌های میان فردی ما و دیگران پل زده شود و همچنین سازوکارهای این تأثیر شناسایی شوند و پیامدهای آنها مهار شوند. مرور تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که محققان اغلب هر یک از این رفتارها را به تنهایی بررسی کرده‌اند و پژوهش‌هایی که همه این ابعاد را در قالب یک متغیر و به صورت یکپارچه بررسی کنند، بسیار اندک‌اند.

افزون بر این، هیچ پژوهشی یافت نشد که به‌طور خاص، ارتباط سبک‌های والد-فرزندی و مهارت‌های ارتباطی را با حضور متغیرهای واسطه‌ای بررسی کند و مرور تحقیقات در این حوزه بیانگر آن است که آنها روابط احتمالی را در حد روابط همبستگی موردنظر قرار داده‌اند. از این حیث، پژوهش کنونی، با بررسی متغیری نو در عرصه اجتماعی و بررسی اثر پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهایی چون مدیریت هیجان و عزت نفس در ارتباط با آن، مسیر جدیدی را در روی علم می‌گشاید. گذشته از پیامدهای مدیریت هیجان، در پیشینه پژوهش درخور قابل توجهی از تحقیقات به موضوعاتی اختصاص دارند که پیشایندهای مؤثر بر مدیریت هیجان و عزت نفس را بررسی کرده‌اند. از این جمله‌اند پژوهش‌هایی که بر روابط والد-فرزند (لیپلد و جنسن،<sup>۲</sup> ۲۰۱۷؛ لوکاس-تامپسن، اولریچ، مک فی،<sup>۳</sup> ۲۰۱۷؛ زرا نزهت<sup>۴</sup> و همکاران ۲۰۱۴؛ شوارک و بلاندن،<sup>۵</sup> ۲۰۱۵) به‌عنوان پیش‌آیند مدیریت و تنظیم هیجان‌ها و رابطه والد-کودک (زرا نزهت و همکاران،

1. Bacon

2. Lippold, Jensen

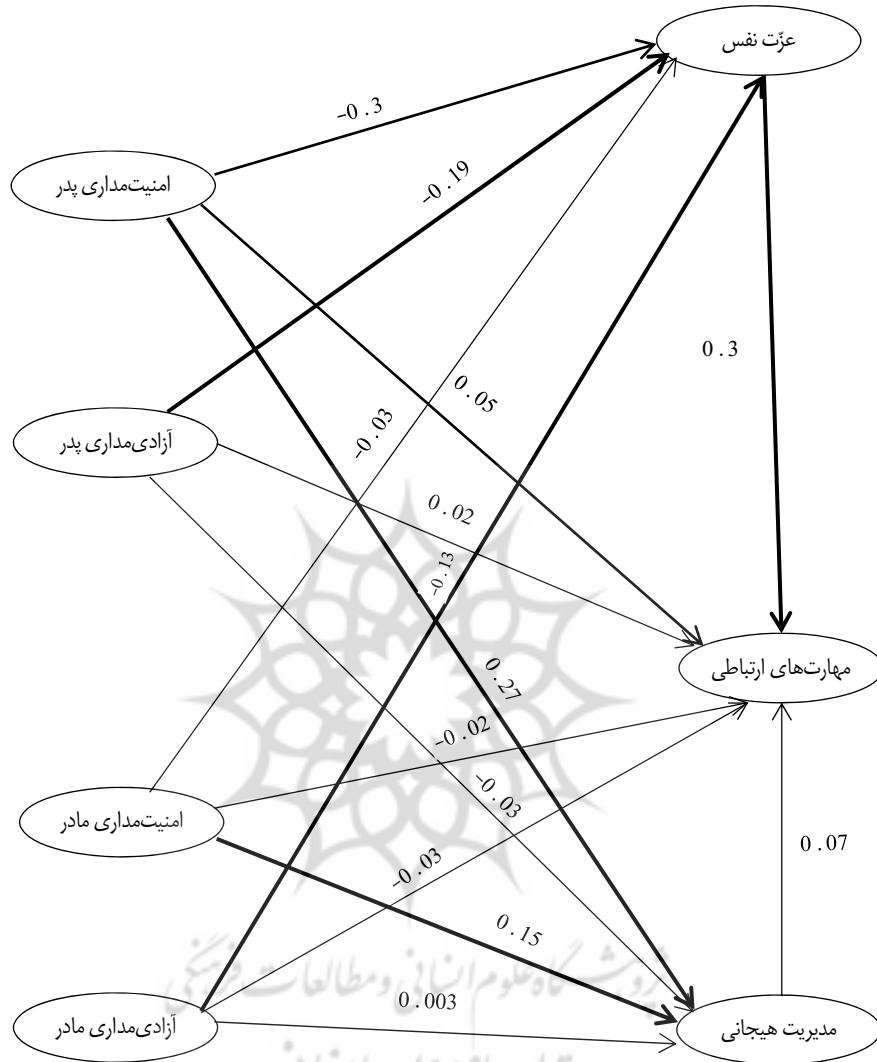
3. Lucas -thompson, Allrich, macphee

4. Nezhad

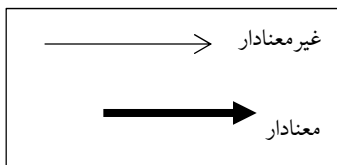
5. shewark, Blandon

۲۰۱۴؛ جاهدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ رنجبر و همکاران، ۱۳۹۲) به‌عنوان پیش‌آیند عزت نفس تأکید کرده‌اند. در این میان، جای خالی تحقیقاتی که رابطه این عوامل را در قالب یک مدل و با حضور متغیرهای واسطه‌ای، همچون مدیریت هیجان و عزت نفس در نظر آورند، محسوس است. از این‌رو، پژوهش پیش رو، درصدد آن است که براساس تحقیقات و ادبیات پیشین، مدلی را پیشنهاد دهد و به آزمون گذارد که نحوه تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر مهارت‌های ارتباطی را تبیین کند. بدین منظور فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل مطرح شده‌اند:

۱. الگوی ارتباط والد-فرزند، پیش‌بینی‌کننده مستقیم مهارت‌های ارتباطی نوجوانان است؛
  ۲. الگوی ارتباط والد-فرزند، پیش‌بینی‌کننده عزت نفس نوجوانان است؛
  ۳. الگوی ارتباط والد-فرزند، پیش‌بینی‌کننده مدیریت هیجان نوجوانان است؛
  ۴. عزت نفس فرزندان، رابطه معناداری با مهارت‌های ارتباطی دارد؛
  ۵. مدیریت هیجان، نقش واسطه‌ای در رابطه میان الگوی ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی نوجوانان دارد؛
  ۶. عزت نفس، نقش واسطه‌ای در رابطه میان الگوی ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی نوجوانان دارد.
- مدل پیشنهادی پژوهش حاضر در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل مفروض پژوهش با مقادیر ضریب مسیر



## روش

این پژوهش از نوع همبستگی بوده که در آن روابط میان یک متغیر پیش‌بین مشاهده شده (الگوی ارتباط والد-فرزند)، یک متغیر واسطه‌ای مکنون (عزت نفس) و یک متغیر واسطه‌ای مشاهده شده (مدیریت هیجان) و یک متغیر ملاک مکنون (مهارت‌های ارتباطی) در قالب الگوی معادلات ساختاری بررسی خواهند شد. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان گروه سنی هجده تا ۲۵ ساله دانشگاه‌های جهرم در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷، بودند. براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۵)، تعداد افراد نمونه، ۲/۵ تا پنج برابر تعداد متغیرهای مشاهده شده (تعداد ماده‌هاست). بنابراین، مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، چهارصد تن از دانشجویان پسر و دختر دانشگاه‌های جهرم بودند که به شیوه نمونه‌برداری طبقه‌ای از میان دانشگاه‌های مختلف شهر جهرم انتخاب شدند. سپس همه دانشجویان حاضر در کلاس‌ها ارزیابی شدند. در این پژوهش از ابزارهای ذیل استفاده شد.

**الف) پرسش‌نامه الگوی ارتباط والد-فرزند:** ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه الگوی ارتباط والد-فرزند (باقری، ۱۳۹۲) است. پرسش‌نامه الگوهای ارتباط والد-فرزند، یک پرسش‌نامه بومی و مبتنی بر الگوی نظری براساس اندیشه اسلامی است که متشکل از سه الگوی اصلی در روابط حاکم میان والدین و فرزندان است. این الگوها عبارت‌اند از: ۱. الگوی ارتباط امنیت‌مدار؛ ۲. الگوی تعادلی و ۳. الگوی آزادی‌مدار. هر الگو از چهار زیرمقیاس (خطوط عمودی) تشکیل شده است. همه خرده‌مقیاس‌ها در چهار بعد (خطوط افقی) نظم می‌یابند که وضعیت‌های مختلفی از چهار بعد ۱. ارزش‌ها، باورها و قواعد، ۲. حمایت در کسب تجربه، ۳. فردیت و ۴. خودپذیری هستند. مدل طراحی شده شامل چهار خرده‌مقیاس که با هم یک سبک را تشکیل می‌دهند، به خوبی در پرسش‌نامه طراحی شده تبیین می‌شود و در مجموع مدل نظری طراحی شده دو سبک کلی امنیت‌مدار و آزادی‌مدار را در الگوهای ارتباط والدین و فرزندان پیش‌بینی می‌کند. پایایی‌های مربوط به هر یک از خرده‌مقیاس‌ها و پایایی کل نسخه نهائی پرسش‌نامه الگوی ارتباط والدین-فرزندان استخراج و پایایی کلی نسخه نهائی ۰/۶۶ گزارش شد (باقری، غفاری و جعفرزادگان، ۱۳۹۲)؛

**ب) پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی از سوی کوین دام:** این آزمون از سوی کوین دام (۲۰۰۴) برای سنجش مهارت‌های ارتباطی بزرگسالان ابداع شده و دارای ۳۴ گویه است که مهارت‌های ارتباطی را توصیف می‌کند. برای تکمیل آن، پاسخگو، باید هر گویه را بخواند و سپس میزان انطباق وضعیت فعلی خود را با محتوای آن بر روی یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای از یک (برای هرگز) تا پنج (برای همیشه) مشخص می‌کند. پرسش‌های دو، چهار و شش به صورت معکوس نمره‌گذاری

می‌شوند. تحلیل (تفسیر) براساس میزان نمره پرسش‌نامه برای هر پاسخگو، در هر یک از مهارت‌های پیش‌گفته - که در قالب خرده‌آزمون‌هایی شامل تعداد متفاوتی از گویه‌ها مطرح شده‌اند - نمره جداگانه‌ای محاسبه می‌شود. افزون‌بر این، حاصل جمع نمره‌ها هم در مجموع ۳۴ عبارت نیز یک نمره کلی برای او به دست می‌دهد که مبین مهارت‌های ارتباطی آزمودنی است. بدین‌سان، دامنه نمره محتمل برای هر فرد میان ۳۴ تا ۱۷۰ خواهد بود. نمره میان ۳۴ تا ۶۸، بیانگر مهارت ارتباطی ضعیف است. نمره میان ۶۸ تا ۱۰۲، بیانگر مهارت‌های ارتباطی متوسط و نمره بالاتر از ۱۰۲، بیانگر مهارت‌های ارتباطی بالاست. برای سنجش اعتبار آزمون مهارت‌های ارتباطی، نخست از روش آلفای کرونباخ، اعتبار کل آزمون محاسبه شد که مقدار عددی آن برابر ۰/۶۹ و حاکی از همسانی درونی قابل قبول این آزمون بود. این مقدار برای آزمودنی‌های دانشجو ۰/۷۱ و برای دانش‌آموزان دبیرستانی برابر با ۰/۶۶ بود. همچنین ضریب اعتبار کل آزمون با استفاده از روش تنصیف، برابر با ۰/۷۱ به دست آمد؛

**ج) پرسش‌نامه کنترل هیجانی (ECQ):**<sup>۱</sup> راجر و نشور (۱۹۸۷) ساختار آغازین پرسش‌نامه کنترل هیجانی را تنظیم کرده، و راجر و نجاریان (۱۹۸۹) در این پرسش‌نامه تجدید نظر کردند. در پژوهش کنونی، از پرسش‌نامه تجدید نظر شده استفاده شده است. پرسش‌نامه یادشده دارای ۲۲ ماده و چهار خرده‌مقیاس بازداری هیجانی، کنترل پرخاشگری، نشخوار و کنترل خوش‌خیم است. هر خرده‌مقیاس هفده ماده دارد که به صورت صفر و یک نمره‌گذاری می‌شوند. بنابراین، نمره یک فرد در هر خرده‌مقیاس از صفر تا هفده و در کل مقیاس از صفر تا ۲۲ متغیر خواهد بود. رفیعی نیا (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های بازداری هیجانی، کنترل پرخاشگری، نشخوار و کنترل خوش‌خیم، به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۷۷ و ۰/۵۸ به دست آورده است. راجر و نجاریان همسانی درونی پرسش‌نامه کنترل هیجانی را برای خرده‌مقیاس‌های بازداری هیجانی، کنترل پرخاشگری، نشخوار و کنترل خوش‌خیم به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ گزارش کردند. همچنین در پژوهش آنها، خرده‌مقیاس نشخوار با عامل نورزگرایی پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک (EPQ)<sup>۲</sup> همبستگی مثبت معنادار داشت. همچنین خرده‌مقیاس کنترل پرخاشگری با پرسش‌نامه خصومت باس-دورکی<sup>۳</sup> همبستگی منفی معنادار داشت. خرده‌مقیاس بازداری هیجانی نیز با عامل برون‌گردی پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک همبستگی منفی معنادار داشت و خرده‌مقیاس کنترل خوش‌خیم با عامل سایکوزگرایی پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک همبستگی منفی معنادار داشت؛

1. Emotional Control Questionnaire

2. Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)

3. Buss-Durkee Hostility Inventory



د) پرسش‌نامه عزت نفس کوپراسمیت: مقیاس عزت نفس به منظور سنجش بازخورد نسبت به خود در قلمروهای اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و شخصی فراهم شده است و یک مقیاس دروغ به آن افزوده شده است (به نقل از خواجه نوری و دهقانی، ۱۳۹۴). پرسش‌نامه عزت نفس (SEI) شامل ۵۸ ماده است که احساسات، عقاید یا واکنش‌های فرد را توصیف می‌کند و آزمودنی باید با این مواد، با علامت‌گذاری در چهار خانه «به من شبیه است (بلی)» یا «به من شبیه نیست (خیر)» پاسخ دهد.

مواد هر یک از زیرمقیاس‌ها عبارت‌اند از: مقیاس عمومی ۲۶ ماده، مقیاس اجتماعی هشت ماده، مقیاس خانوادگی هشت ماده، مقیاس آموزشی هشت ماده و مقیاس دروغ هشت ماده، نمرات زیرمقیاس‌ها و همچنین نمره کلی، امکان مشخص کردن زمینه‌ای را که در آن افراد واجد تصویر مثبتی از خود هستند، فراهم می‌سازد (پلرین، ۲۰۰۵). بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران، بیانگر آن هستند که این آزمون از اعتبار و روایی قابل قبولی بهره‌مند است. هرز و گولون<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۰/۸۸ را برای نمره کلی آزمون گزارش کرده‌اند. همچنین جهت سنجش روایی میان نمره کل آزمون با خرده مقیاس روان‌آزده‌گرایی در آزمون شخصیت آیسنک، روایی واگرایی منفی و معنادار و با خرده مقیاس برون‌گرایی روایی همگرایی مثبت معنادار به دست آمده است (به نقل از خواجه نوری و دهقانی، ۱۳۹۴). ادموند سون و همکاران (۲۰۰۶) نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ را برای آزمون عزت نفس کوپراسمیت گزارش کرده‌اند (به نقل از خواجه نوری و دهقانی، ۱۳۹۴). کوپراسمیت<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) ضریب بازآزمایی را بعد از پنج هفته، ۰/۸۸ و پس از یک سال ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. با روش بازآزمایی ضریب اعتبار این آزمون در ایران با فاصله چهار هفته و دوازده روز به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی گزارش شده میان ۰/۸۹ تا ۰/۸۳ در مطالعات مختلف متغیر بوده است (خواجه نوری و دهقانی، ۱۳۹۴).

## یافته‌ها

برای آزمون مدل پیشنهادی، پس از بررسی مفروض‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری، همچون استقلال خطاها و نرمال بودن چند متغیری، آزمون مدل اجرا شد. در جدول شماره ۱، همبستگی میان سازه‌ها و مقایسه آنها با مقادیر جذر AVE گزارش شده است. برای بررسی نقش الگوی ارتباط والد-فرزند، بر مهارت‌های ارتباطی از طریق متغیرهای واسطه‌ای عزت نفس و مدیریت هیجان، از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. با توجه به نتایج جدول شماره ۲ و مقادیر گزارش شده برای

1. Herz & Gullone

2. coopersmith

هر یک از پارامترهای استاندارد، معناداری هر یک بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی با توجه به آماره  $t$  که برای اغلب ضرایب این نشانگرها و صفت‌های مکنون مورد مطالعه، بالاتر از مقدار دو است، نشان می‌دهد، مدل‌های اندازه‌گیری استفاده شده در پژوهش کنونی، مناسب بوده و نشان از آن دارند که اغلب نشانگرهای استفاده شده برای اندازه‌گیری صفت‌های مکنون مطالعه شده این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تطابق قابل قبولی را دارند.

جدول ۱: همبستگی میان سازه‌ها و مقایسه آنها با مقادیر جذر AVE

relation_skill	free_p	free_m	ezatnafs	emotion	cont_p	cont_m		
						۰/۷۸	امنیت‌مداری مادر	cont_m
					۰/۸۰	۰/۷۰	امنیت‌مداری پدر	cont_p
				۰/۷۵	۰/۱۹	۰/۱۳	مدیریت هیجانی	emotion
			۰/۷۹	-۰/۳۶	-۰/۳۴	-۰/۳۱	عزت نفس	ezatnafs
		۰/۷۵	-۰/۳۴	۰/۱۴	۰/۵۸	۰/۶۸	آزادی‌مداری مادر	free_m
	۰/۷۸	۰/۷۴	-۰/۳۳	۰/۱۶	۰/۶۸	۰/۵۴	آزادی‌مداری پدر	free_p
۰/۷۳	۰/۲۶	۰/۲۷	-۰/۴۵	۰/۲۶	-۰/۳۵	۰/۳۲	مهارت ارتباطی	relation_skill

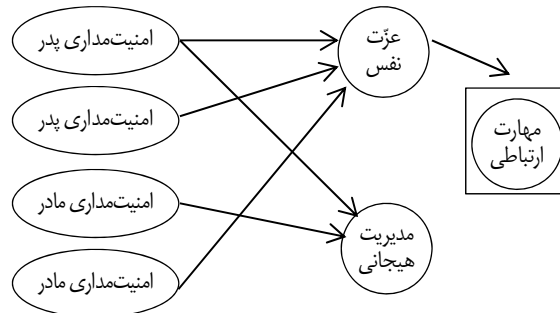
چنان‌که در جدول شماره ۱ مشخص است، گویه‌ها با نشانگرهای همه سازه‌ها بیشترین بار عاملی را بر سازه خود دارند. به دیگر سخن، همبستگی میان سازه‌ها، کمتر از مقدار مجذور میانگین واریانس استخراج شده هر یک از سازه‌هاست که نشان می‌دهد هیچ دو متغیری با یکدیگر همبستگی کامل نداشته و ترکیب گویه‌ها به گونه‌ای است که همه سازه‌ها به خوبی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. از این رو، ابزار اندازه‌گیری اعتبار و اگر دارد.

جدول ۲: مقادیر مربوط به مدل اندازه‌گیری درباره سازه‌های تحقیق

متغیر	نشانگرها در مدل	خرده مقیاس	مقدار بار عاملی	مقدار T	ارزش P
الگوی ارتباط مادر	CM1	انعطاف مادر	۰/۸۷	۷۴/۵۴	۰/۰۱
	CM2	کنترل مادر	۰/۸۰	۴۲/۰۹	۰/۰۱
	CM3	رسمیت مادر	۰/۶۳	۱۸/۴۸	۰/۰۱
	CM4	مقبولیت مادر	۰/۸۲	۴۹/۰۲	۰/۰۱
	FM1	تزلزل مادر	۰/۸۵	۵۵/۵۳	۰/۰۱
	FM2	نازپروردگی مادر	-۰/۱۵	۲/۳۶	۰/۰۱
	FM3	درهم تنیدگی مادر	۰/۹۰	۹۸/۰۹	۰/۰۱
	FM4	رهایی مادر	۰/۸۴	۵۱/۹۱	۰/۰۱

متغیر	نشانه‌ها در مدل	خرده مقیاس	مقدار بار عاملی	مقدار T	ارزش P
الگوی ارتباط پدر	CP1	انعطاف پدر	۰/۸۵	۵۸/۷۱	۰/۰۱
	CP2	کنترل پدر	۰/۸۱	۴۸/۶۵	۰/۰۱
	CP3	رسمیت پدر	۰/۶۹	۲۴/۱۱	۰/۰۱
	CP4	مقبولیت پدر	۰/۸۳	۶۰/۶۷	۰/۰۱
	FP1	تزلزل پدر	۰/۸۴	۵۷/۹۲	۰/۰۱
	FP2	نازپروردگی پدر	-۰/۳۵	۵/۷۸	۰/۰۱
	FP3	درهم تنیدگی پدر	۰/۹۲	۱۴۴/۳۰	۰/۰۱
	FP4	رهایی پدر	۰/۸۶	۶۶/۴۳	۰/۰۱
عزت نفس	EZ_EJT	عزت نفس اجتماعی	۰/۸۰	۳۴/۱۹	۰/۰۱
	EZ_FAM	عزت نفس خانوادگی	۰/۸۵	۵۴/۴۶	۰/۰۱
	EZ_TAH	عزت نفس تحصیلی	۰/۷۰	۲۱/۵۰	۰/۰۱
مهارت‌های ارتباطی	GATIAT	قاطعیت	۰/۲۲	۱/۰۰	بی معنا
	ATEFI	کنترل عاطفی	۰/۴۳	۲/۱۴	۰/۰۱
	BINESH	بیش نسبت به فرایند ارتباط	۰/۵۹	۳/۲۴	۰/۰۱
	GOOSH	مهارت گوش دادن	۰/۸۴	۴/۶۳	۰/۰۱
	PAYAM	توانایی دریافت و ارسال پیام	۰/۶۴	۳/۸۶	۰/۰۱
مدیریت هیجان	MAHAR	مهار خوش خیم	۰/۶۹	۱۶/۲۴	۰/۰۱
	MORUR	مرور ذهنی	۰/۷۶	۲۱/۲۵	۰/۰۱
	PARKHASH	پرخاصگری	۰/۶۴	۱۱/۸۷	۰/۰۱
	BAZDARI	بازداری هیجانی	۰/۶۲	۱۲/۲۲	۰/۰۱

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از ۰/۴ شود، مؤید این مطلب است که واریانس میان سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی درباره آن مدل اندازه‌گیری، قابل قبول است (ریکو،<sup>۱</sup> ۱۹۹۸). بر پایه جدول شماره ۲، اغلب بارهای عاملی گویه‌ها بیش از ۰/۴ هستند. به سخن دیگر، وجود مقادیر بالاتر از دو برای همه ضرایب مسیر باقی مانده در مدل به جز متغیر قاطعیت، نشان می‌دهند که بیشتر سازه‌های مطالعه شده به بهترین شکل با سؤالات سنجیده شده‌اند. از این رو، می‌توان نتایج حاصل از سؤالات هر سازه را معتبر و قابل تحلیل دانست؛ زیرا اولاً، آنچه را که محقق در نظر داشته است، دقیقاً سنجیده‌اند و ثانیاً، برداشت ذهنی همه پاسخگویان از آن یکی بوده است.



شکل ۲: مدل نهائی آزمون شده

جدول ۳: ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش

نتیجه	ارزش T	ضریب مسیر		
رد	۰/۷۴	۰/۰۵	(reletion_skill) ← مهارت ارتباطی (cont_p) ← امنیت‌مداری پدر	۱
تأیید	۴/۸۱	۰/۲۷	(emotion) ← مدیریت هیجانی (cont_p) ← امنیت‌مداری پدر	۲
تأیید	۶/۵۰	-۰/۳۰	(ezatnafs) ← عزت نفس (cont_p) ← امنیت‌مداری پدر	۳
رد	۰/۵۹	-۰/۰۲	(reletion_skill) ← مهارت ارتباطی (free_p) ← آزادی‌مداری پدر	۴
رد	۰/۷۲	-۰/۰۳	(emotion) ← مدیریت هیجانی (free_p) ← آزادی‌مداری پدر	۵
تأیید	۳/۸۱	-۰/۱۹	(ezatnafs) ← عزت نفس (free_p) ← آزادی‌مداری پدر	۶
رد	۰/۳۹	-۰/۰۲	(reletion_skill) ← مهارت ارتباطی (cont_m) ← امنیت‌مداری مادر	۷
تأیید	۲/۸۳	۰/۱۵	(emotion) ← مدیریت هیجانی (cont_m) ← امنیت‌مداری مادر	۸
رد	۱/۰۰	-۰/۰۳	(ezatnafs) ← عزت نفس (cont_m) ← امنیت‌مداری مادر	۹
رد	۰/۷۴	۰/۰۳	(reletion_skill) ← مهارت ارتباطی (free_m) ← آزادی‌مداری مادر	۱۰
رد	۰/۰۸	۰/۰۰۳	(emotion) ← مدیریت هیجانی (free_m) ← آزادی‌مداری مادر	۱۱
تأیید	۲/۳۸	-۰/۱۳	(ezatnafs) ← عزت نفس (free_m) ← آزادی‌مداری مادر	۱۲
تأیید	۳/۶۴	۰/۳۰	(reletion_skill) ← مهارت ارتباطی (ezatnafs) ← عزت نفس	۱۳
رد	۰/۹۹	۰/۰۷	(reletion_skill) ← مهارت ارتباطی (emotion) ← مدیریت هیجانی	۱۴

ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه میان سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معناداری T است. در صورتی که مقدار این عدد از ۱/۹۶ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه میان سازه‌ها و در نتیجه، تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. باید توجه داشت که اعداد T، فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه میان سازه‌ها را نمی‌توان با آنها سنجید (رضازاده و داوری، ۱۳۹۲).

## بحث

هدف از انجام دادن این مطالعه بررسی رابطه ساختاری میان الگوی ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی، با واسطه مدیریت هیجان و عزت نفس بود. در ادامه، نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری در قالب روابط موجود در مدل بیان می‌شوند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که هیچ کدام از ابعاد الگوی ارتباط والد-فرزند (امنیت‌مدار، آزادی‌مدار) با مهارت‌های ارتباطی فرزندان، ارتباط معناداری ندارد.

تحقیقات نشان می‌دهند جایی که ارتباط والدین مؤثر است، افزایش دانش، بهبود ارتباط میان فردی و افزایش خودکارآمدی وجود دارد (وایت و ویلیامسون<sup>۱</sup> و هندرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶ به نقل از کویتز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). با وجود این، یافته‌ها ناپایدارند، چندین مطالعه هیچ رابطه‌ای میان ارتباط والدین-نوجوان با رفتارها و نگرش‌ها و دانش نوجوان نیافتند (دیوریو<sup>۴</sup>، پلوهار<sup>۵</sup>، بلچر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از کویتز و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعه اسکات، (۲۰۰۸) نشان داد که هیچ رابطه قابل پیش‌بینی‌ای میان تعاملات ارتباطی والد-کودک و مهارت‌های ارتباطی بعدی وجود ندارد. کروکنبرگ و لانگ روک<sup>۷</sup> (۱۹۹۶) به نقل از اختر، هنیف، طریق، آتا، (۲۰۱۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که کودکان پیش دبستانی که والدینشان از شیوه فرزندپروری خشن و اجباری استفاده می‌کنند، مشکلات ارتباطی بیشتری با هم‌تایان خود دارند، پرخاشگرتر هستند، و کمبود شایستگی اجتماعی دارند. تحقیقات نشان می‌دهند کم‌رویی و رفتار واپس‌روی در واکنش به تعاملات اجتماعی با هم‌تایان، به‌عنوان مشکلات درونی در کودکی (بیدرمن و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از ویلیامز و همکاران، ۲۰۰۹) و نوجوانی (رابین و همکاران، ۱۹۹۵ به نقل از ویلیامز و همکاران، ۲۰۰۹) آشکار می‌شوند. به‌طور کلی، اقتدارطلبی والدین رابطه منفی با مشکلات درون‌سازی و برون‌سازی کودکی و نوجوانی دارد (استنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶ به نقل از ویلیامز<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۹).

پدرانی که در تعاملاتشان گرم و رهنمودبخش هستند، ممکن است برای فرزندان خود الگوهای سازش‌پذیر از چگونگی حل تعارض‌ها و مسائل فراهم کنند. در مقابل، پدران متجاوز و پرخاشگر، ممکن است الگوهای ناسازگارانه به کودکان خود ارائه دهند. کودکانی که در چنین تعاملات منفی

1. Wight & Williamsn
2. Henderson
3. Coetzee
4. Diorio
5. Pluhar
6. Belcher
7. Crockenberg and Langrock
8. Williams

درگیر هستند ممکن است دشمنی و تجاوز را به عنوان راهکارهای مؤثر حل و فصل اختلافات در نظر بگیرند، که به نوبه خود احتمال بروز شایستگی اجتماعی آنها را تضعیف می‌کند (زانگ، ۲۰۱۳).

همچنین نتیجه این مقاله نشان داد که کنترل‌مداری پدر و مادر، هر دو، با مدیریت هیجان نوجوان ارتباط دارد. نتایج این تحقیق با تحقیق کلیک، وار، کومانداس،<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)؛ برگ<sup>۲</sup> و همکاران، (۲۰۱۷)؛ لوکاس-تامپس<sup>۳</sup> و همکاران، (۲۰۱۷) همخوانی دارد. این الگو فعال‌کننده انگیزش اجتنابی<sup>۴</sup> است (باثومایستر،<sup>۵</sup> ۲۰۱۱م، به نقل از باقری، ۱۳۹۲). غلبه انگیزش اجتنابی موجب می‌شود فعالیت‌های هدفمند فرد به دلایل ترس و اجتناب از پیامدهای ناخوشایند شکل بگیرد. افراد با این نظام ارزشی، از اراده‌ای قوی بهره‌مند هستند که هیجان‌های خود را تحت کنترل درآورند، باید‌ها را دنبال و مصلحت‌ها را رعایت کنند، اما به دلیل نوع اهدافشان خیلی از زندگی خود راضی نیستند؛ زیرا تحقق اهدافشان گرچه ترس و اضطراب را کاهش می‌دهد، ولی موجب حس رضایت‌مندی و شادی نمی‌شود. فرزندان این‌گونه خانواده‌ها از انتخاب‌های مورد علاقه خود به دلیل امتناع از تخریب تصویر خوب در چشم اطرافیان، چشم می‌پوشند و بدین‌سان، دامنه تجربه‌ها و رشد شخصی خویش را محدود می‌سازند.

به‌طور کلی، کنترل و محدودیت، دو آسیب بزرگ به فرزندان وارد می‌کنند: اولاً، باور اجرائی آنان را در عرصه‌های مختلف بسیار ضعیف می‌سازند و ثانیاً، ممانعت از کسب تجربه و عبرت، خود مانع از رشد و تحول در نظام ارزش‌ها و باورهایی می‌شوند که فرزند مشاهده کرده است و اکنون نیاز دارد آنها را تمرین و اصلاح کند و رشد دهد تا به واقعیت‌ها نزدیک‌تر شود. به همین دلیل، در بیشتر موارد، این افراد از انتخاب اهداف متعارف که با صبر، سعی، برنامه‌ریزی، تلاش به دست می‌آیند، اجتناب می‌ورزند و بیشتر به اهدافی روی می‌آورند که (ظاهراً) با اندک مهارت خاص، و در سریع‌ترین حالت و کوتاه‌ترین زمان بیشترین ثمر را به دنبال دارند؛ مانند گرایش به خوانندگی، هنرپیشگی و فوتبال حرفه‌ای (باقری، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، فرهنگ ما، فرهنگی است که به مردم می‌آموزد احساساتشان را سرکوب کنند. از سنین خیلی پایین، به کودکان آموزش داده می‌شود که احساسات خود را تحریف یا سرکوب کنند. هر قدر هیجان‌ها بیشتر سرکوب شوند، مردم به سمت زندگی رشد نیافته‌تر و نارس‌تری پیش می‌روند (بولتون، ۱۳۸۶). نقش والدین در همه امور فرزندان و در همه مراحل زندگی دیده می‌شود؛ هر چند

- 
1. Kilic, War, Kumandas
  2. Berg
  3. Lucas-Thompson
  4. Avoidance motivation
  5. Baumister

در مراحل هم‌چون نوجوانی از این نقش کاسته می‌شود، ولی والدین باید درصدد بازسازی روابط آسیب دیده خود با فرزندان نوجوان باشند؛ چراکه در سنین نوجوانی، به علت رشد استقلال‌طلبی در یک دوره زمانی، نوجوانان برای اثبات استقلال خود به فاصله گرفتن از خانواده و گرایش به گروه همسالان روی می‌آورند و این دقیقاً در زمانی است که توانایی درونی نوجوانان برای تنظیم عواطف، هیجان‌ها و رفتارها کاهش یافته است و نیاز به یک منبع بیرونی تنظیم هیجان احساس می‌شود. برآورده شدن این نیاز، جز در یک ساختار خانوادگی حمایت‌کننده، گرم و با محبت میسر نیست، فقط یک چنین ساختاری می‌تواند واکنش‌های عاطفی و انگیزه‌های اجتماعی را برای روبرو شدن با چالش‌های تنظیمی مهیا سازد. محیط گرم و با محبت خانواده به نوجوان این اطمینان را می‌دهد که خواستار مستقل شدن اوست و به او کمک خواهد کرد با تعدیل عواطف و هیجان‌های منفی از پیامدهای تنظیم نشدن عواطف و هیجان‌ها که همان افسردگی و... است، در امان بماند (هانا، ۲۰۰۰؛ به نقل از امین آبادی و همکاران، ۱۳۹۰).

نتیجه این تحقیق، هم‌چنین نشان داد که مدیریت هیجان، رابطه میان الگوی ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی را واسطه‌گری نمی‌کند. مهار و نظم‌دهی به هیجان‌ها، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی، نقش مهمی در برقراری، تداوم و سلامت روابط اجتماعی ایفا می‌کند و به‌طور کلی، این مهارت ناظر بر توانایی ابراز احساس‌ها و مهار آنها و نیز کنار آمدن با هیجان‌ها و عواطف دیگران است (گلمن، ۱۳۸۳؛ به نقل از حسین چاری و دلاورپور، ۱۳۸۵). اگرچه شمار بسیاری از تحقیقات درباره چگونگی تأثیرگذاری سبک‌های والدگری بر رشد کودکان جوان انجام گرفته، ولی مطالعات ناچیزی درباره اینکه والدین چه تأثیری در نوجوانی بعدی یا اوائل بزرگسالی می‌گذارد، انجام یافته‌اند (مک کینی و رنک،<sup>۱</sup> ۲۰۰۸ به نقل از کلیک، وار، کومانداس، ۲۰۱۵).

کیفیت ضعیف والدگری در کودکی، پیش‌بینی‌کننده سطوح بالای هیجان منفی در خلال نوجوانی است (ماستن و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از مارکویبی، درن، ساسمن،<sup>۲</sup> ۲۰۱۲). کودکانی که از سوی والدین اقتدارطلب پرورش می‌یابند، مشکلات رفتاری فراوانی مانند اضطراب، افسردگی، بازداری اجتماعی، پرخاشگری و مشکلات مرتبط با تنظیم هیجان‌ها دارند (هارت و همکاران، ۲۰۰۳ به نقل از اختر، هنیف، طریق، اتا، ۲۰۱۱). این کودکان وابستگی کمتری به هم‌تایان خود نشان می‌دهند (چانگ،<sup>۳</sup> سیو،<sup>۴</sup> براون،<sup>۵</sup> ۲۰۱۷). افرادی که می‌توانند احساسات و

1. Mckinney & Renk

2. Marceau, Dorn, Susman

3. Cheung

4. Siu

5. Brown

رفتارهای خود را کنترل کنند، معمولاً مهارت اجتماعی داشته، روابط قابل پیش‌بینی و مطلوب‌تری با هم‌تایان خود دارند، در حالی که افرادی که با اجتناب یا طرد مواجه می‌شوند، احساسات خود را طرد یا تعدیل می‌کنند (فرلی و کیم-اسپون،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴؛ به نقل از مویلا رین و منول، ۲۰۱۷).

کراکن برگ و لانگروک،<sup>۲</sup> (۱۹۹۶ به نقل از اختر، هنیف، طریق، اتا، ۲۰۱۱) نشان دادند که کودکان پیش‌دبستانی که والدینشان از شیوه فرزندپروری خشن و اجباری استفاده می‌کنند، مشکلات ارتباطی بیشتری با هم‌تایان خود دارند، پرخاشگرترند و شایستگی اجتماعی پایینی دارند. سطح بالای کنترل از سوی والدین مستبد ممکن است نتیجه پایین بودن انگیزه ذاتی باشد. والدینی که به کودک خود اجازه فکر کردن و تصمیم‌گیری نمی‌دهند، به کودک خود فرصت استفاده از مغزش را نمی‌دهند. در نتیجه، آنها به احتمال، اطاعت‌کننده و دنباله‌رو قوانینی هستند که از سوی دیگران وضع شده است (بامریند، ۱۹۹۱؛ به نقل از کوتامن،<sup>۳</sup> ۲۰۱۳). به همین دلیل، بچه‌ها خود تلاش نکرده و کارهایشان را انجام نمی‌دهند. اثرات غیرمستقیم خلق والدین و فرزندپروری، در رابطه با مشکلات درونی کردن، نشان می‌دهند که رفتار مداخله‌گرانه و بیش‌محافظت‌گرانه با فرزندان که بازداری رفتاری بسیار دارند، به کناره‌گیری اجتماعی بیشتر در کودکی بعدی منجر می‌شود (رابین و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از ویلیامز و همکاران، ۲۰۰۹).

نقص در مدیریت هیجان، با اختلال‌های درون ریز (مانند افسردگی، اضطراب، انزوای اجتماعی) و اختلال‌های برون ریز (مانند بزهکاری و رفتار پرخاشگرانه)، ارتباط دارد. کودکی که نمی‌خواهد یا نمی‌تواند ابراز خشم یا ناراحتی‌اش را به سوی همسالان تنظیم کند در خطر طرد اجتماعی بعدی قرار می‌گیرد (هنیش<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از مک‌گین، ۲۰۱۴). این کودکان نسبت به دیگران پرخاشگر هستند و مورد تنفر همسالان قرار می‌گیرند (آیزنبرگ، ۱۹۹۷؛ ریورز، ۲۰۰۷؛ به نقل از طالبیان، ۱۳۹۱). این مسئله خود را به صورت یک دور منفی نیز نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که کودکانی که از سوی هم‌تایانشان طرد یا کنار گذاشته می‌شوند، ممکن است فرصت‌های کمی برای انجام مهارت‌های شایسته اجتماعی که در برگرفته کنترل هیجانی‌اند، داشته باشند (کالکینز، ۱۹۹۴؛ به نقل از فوکس و کالکینز، ۲۰۰۳). فرض براین است که رفتار پرخاشگرانه و هیجانی منفی، هم در کودکان و هم در والدین به سیکل‌های غیراخلاقی منجر می‌شود که پیامد آن کاهش سلامت روان کودک و خانواده است (جیمenez،<sup>۵</sup> استیوز،<sup>۶</sup> ۲۰۱۷). به

1. Farely & Kim -Spoon
2. Crockenberg and Longrock
3. Kotaman
4. Hanish
5. Jimenez
6. Estevez



سخن دیگر، والدینی که به هیجان‌های منفی فرزندان خود با روش‌های منفی یا سختگیرانه فرزندپروری پاسخ می‌دهند، مشکلات عاطفی و رفتاری کودک را تشدید می‌کنند.

نتایج تحقیق همچنین نشان دادند که خرده‌مقیاس مقبولیت در الگوی ارتباط والد-فرزند (پدر) و خرده‌مقیاس مقبولیت و درهم‌تنیدگی در الگوی ارتباط والد-فرزند (مادر)، با عزت نفس فرزندان رابطه منفی و معناداری دارد. یافته‌های به دست آمده از تحقیق حاضر، با پژوهش‌های متعددی همخوان‌اند. در سبک والدگری امنیت‌مدار، کنترل و محدودیت فقط از طریق کنترل بیرونی و از سوی والدین انجام نمی‌شود. چشم پوشیدن از انتخاب‌های مورد علاقه به دلیل امتناع از تخریب تصویر خوب در چشم اطرافیان خود نیز نوع دیگری از محدودیت و کنترل است. فرزندان نور چشمی والدین، یا خویشاوندان، معمولاً برای از دست ندادن جایگاه بالایشان خود، خود خواسته از بسیاری خواسته‌ها و نظرها و علاقه‌ها چشم‌پوشی می‌کنند و بدین‌سان، دامنه تجربه‌ها و رشد شخصی خویش را محدود می‌کنند. نکته اساسی در شکل‌ها و قالب‌های مختلف محدودیت و کنترل، ممانعت از انجام تصمیم‌ها و انتخاب‌هایی است که فرد برای تحکیم باورهای اجرایی و ارزشی خود به آنها نیاز دارد (باقری، ۱۳۹۲).

توضیح قانع‌کننده برای این نتایج می‌تواند چنین باشد که کودکی که بدون محبت بزرگ می‌شود و دچار یک کشمکش سخت می‌شود، با جوان شدن و ضعیف ماندن، نمی‌تواند از خودش محافظت کند و نیازهای واقعی‌اش را برآورده سازد. کودکی که به شدت تحت فشار والدین قرار می‌گیرد و آزادی بیان اندک دارد، محبتی دریافت نمی‌کند و یاد می‌گیرد که انتظار محبت نداشته باشد، یاد می‌گیرد که انتظار چیزی نداشته باشد، یا انتظار کمی داشته باشد، برای او دشوار است که در وضعیت کنترل والدین، اعتماد به نفس خود را افزایش دهد. سرانجام اینکه او در ابراز خود مردد است و تمایل به درونی کردن تنهایی و درماندگی دارد که به درونی کردن مشکلات رفتاری منجر می‌شود.

در این پژوهش همچنین در بررسی نقش واسطه عزت نفس در الگوی ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی، تنها مؤلفه عزت نفس اجتماعی با مهارت‌های ارتباطی دانشجویان رابطه معناداری نشان داد. نتیجه این تحقیق با تحقیق اختر، هنیف، طریق و انا (۲۰۱۱)، در زمینه ارتباط عزت نفس اجتماعی با مهارت‌های ارتباطی همخوانی دارد. عزت نفس به‌طور کلی و عزت نفس به‌طور خاص، متأثر از کیفیت ارتباطات نزدیک با دیگران است (لیری و داونس، ۱۹۹۵). به نقل از مؤیدفرید و همکاران، (۱۳۸۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شیوه‌های فرزندپروری بر عزت نفس تأثیر مستقیم دارند. به‌طور کلی، سبک‌های والدگری بر عزت نفس نوجوانان و رشد روابط میان فردی در آنها تأثیر می‌گذارد (سادوونیکوا، ۲۰۱۳). به نقل از سادوونیکوا، (۲۰۱۶). والدین کودکانی

که بیشترین احتمال عزت نفس سالم را داشته‌اند، فرزندانشان را با عشق و احترام پرورش داده‌اند، آنها را بدون قید و شرط و با مهربانی پذیرفته‌اند، آنها را حمایت کرده‌اند و انتظارات معقولی از فرزندان خود داشته‌اند، هیچ‌گاه فرزندانشان را از خود طرد نکرده‌اند، آنها را تحقیر و مسخره نکرده‌اند و برای کنترل رفتار آنها از تنبیه بدنی استفاده نکرده‌اند و باور خود را نسبت به توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبت در کودکانشان به او نشان داده‌اند (براندن، ۱۹۹۴ به نقل از خاطری، ۱۳۸۵). در نتیجه وقتی بچه‌ها در یکی از زمینه‌های (احساس تعلق، منحصر به فرد بودن، قدرت، آزادی بیان) احساس رضایت کنند، اعتماد به نفس در آنها تقویت می‌شود (مارستون، ۱۳۷۹).

در شیوه فرزندپروری مستبدانه، به علت وجود مهار شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سختگیرانه، سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی (پراپر و همکاران، ۲۰۰۷ به نقل از دانش و همکاران، ۱۳۹۰) و نیز تعاملات خانوادگی ضعیف، شامل فرزندپروری بی‌ثبات و مبتنی بر تنبیه، سرد یا طردکننده، قوانین انضباطی سخت و پایدار، دل‌بستگی ناپایمن، نظارت و والدگری ناکافی، و اختصاص زمان اندک به کودک و فقدان ارتباط مثبت با او (ساندرز و تریپل، ۲۰۰۳ به نقل از دانش و همکاران، ۱۳۹۰) می‌تواند به‌عنوان سبک تربیتی آسیب‌رسان، سلامتی و بهزیستی کودک را مختل کند و وی را در معرض بروز اختلال‌های روانی، اعتیاد، احساس جذاب نبودن، کنترل نداشتن بر جنبه‌های مختلف زندگی و کمبود عزت نفس به‌طور کلی و عزت نفس به‌طور خاص، قرار دهد. در این شیوه تربیتی والدین به کودک خود اجازه فکر کردن و تصمیم گرفتن نمی‌دهند. در نتیجه کودکان به احتمال اطاعت‌کننده و دنباله‌رو قوانینی هستند که از سوی دیگران وضع شده‌اند (بامریند، ۱۹۹۱ به نقل از کتامن، ۲۰۱۳). به همین دلیل، کودکان انگیزه‌ای برای تلاش کردن و انجام دادن فعالیت‌های خود ندارند. کمرویی آنها را از انجام تکالیف چالش‌انگیز دور می‌کند و فرصت‌های رشد را از دست می‌دهند. زمانی که کودکان احساس مسئولیتی در قبال اعمال خود نکنند، ممکن است درگیر اعمالی شوند که هم به خودشان و هم به دیگران آسیب می‌زند. چنین وضعیتی شرایط مناسب برای انجام رفتار مجرمانه را فراهم می‌کند (تری، ۲۰۰۴ به نقل از کتامن، ۲۰۱۳).

کوبوتا و ساساکی (۲۰۰۲) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که عزت نفس بر الگوهای پیشرفت، عملکرد، تعامل با دیگران و سلامت روانی تأثیر می‌گذارد؛ به همین دلیل لازم است ارزیابی مثبت فرد از خودش تقویت شود. آنها معتقدند برقراری تعامل اجتماعی با همسالان و داشتن انگیزه از عوامل اصلی تقویت عزت نفس است (احمدی، ۱۳۹۳). در عصر جدید، که روند تحولات سریع و وضع خانواده‌ها نابسامان است و دوره نوجوانی طولانی‌تر و مرز میان کودکی و بزرگسالی نامشخص‌تر است، یکی از مؤثرترین راه‌های کمک به نوجوان، حفظ عزت نفس

اوست. در خلال این مرحله تکاملی است که عزت نفس مثبت، با در نظر داشتن خود، به‌عنوان یک فرد فعال، با تلاش و اهدافی که دربرگیرنده یادگیری چیزهای جدید است قادر به تغییر است (مالتس، السی، الو، ۲۰۱۲).

عزت نفس اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های مهم ارتباطات اجتماعی است. عزت نفس اجتماعی، بیشتر از طریق تعامل با دوستان نزدیک و همسالان شکل می‌گیرد، و در نتیجه، چنین تعاملاتی نقش مهمی در توسعه عزت نفس اجتماعی و کلی نوجوانان ایفا می‌کنند (والتنبرگ، کتامنیس، و سن، ۲۰۱۷). افرادی که عزت نفس بهتری دارند، از رابطه خود رضایت بیشتری دارند و افرادی که دارای عزت نفس بالاتری هستند، روابط شادتر و عاشقانه‌تری را گزارش می‌دهند. همچنین، افرادی که عزت نفس کمتری دارند نسبت به طرد شدن حساس‌اند، به‌گونه‌ای که رفتار شریکشان را منفی‌تر ارزیابی می‌کنند، و پیش‌بینی می‌شود رضایت از رابطه آنها رو به زوال رود (ونپتیگم، برنینگ، باودت، بیرز، زیمر-گیمبک، ۲۰۱۸). بدیهی به نظر می‌رسد فردی که خود و دیگران و ارتباط را به شیوه مثبتی تعریف کند، به وسیله دیگران بیشتر جذب و پیشرفته می‌شود و از سوی دیگران تأیید و ارزش‌گذاری مثبت می‌شود. در نتیجه، این نگرش مثبت نسبت به خود و دیگران، که از مشخصه‌های افراد ایمن است، باعث افزایش عزت نفس اجتماعی می‌شود.

یافته‌های این پژوهش می‌توانند تلویحات متعددی برای آموزگاران، دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش مطرح سازند. ضروری است آموزش‌هایی برای بهبود کیفیت روابط والد و کودک ارائه شوند تا با شکل‌گیری پایگاهی عاطفی در دانش‌آموز و عزت نفس بالاتر، زمینه کاهش مشکلات مرتبط با روابط میان فردی را ایجاد سازند.

در خصوص محدودیت‌های پژوهش کنونی، می‌توان به چند نکته اشاره کرد؛ نخست، آنکه به دلیل ماهیت همبستگی پژوهش در استنباط علی باید احتیاط کرد؛ دوم، آنکه نمونه مورد نظر دانشجویان مقطع کارشناسی بودند و در تعمیم نتایج به مقطع پایین‌تر و بالاتر، باید این نکته مورد نظر قرار گیرد؛ سوم، آنکه متغیر واسطه‌ای نتوانسته واسطه‌گری کامل داشته باشد و این مسئله نشان از وجود متغیرهای واسطه‌ای دیگر دارد. پیشنهاد می‌شود در مقطع دبیرستان نیز این پژوهش تکرار شود تا بتوان شواهد تحولی برای تأیید مدل فراهم آورد.

## منابع

۱. احمدی، محمدسعید (۱۳۹۳)، «تأثیر مهارت‌های ارتباطی با رویکرد دینی بر عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان»، مجله علمی، پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۲۲ (۹۰)، ص ۱۳-۲۲.
۲. امین آبادی، زهرا، محمدکریم خداپناهی و محسن دهقانی (۱۳۹۰)، «نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آنها»، مجله علوم رفتاری، ۵ (۲)، ص ۱۰۹-۱۱۷.
۳. باقری، فریبرز (۱۳۹۲)، «الگوی ارتباط والد-فرزند، مدل نظری فرزندپروری بر مبنای هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام»، دوفصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، ۱ (۱)، ص ۵-۳۳.
۴. باقری، فریبرز و فیروزه غفاری جعفرزادگان (۱۳۹۲)، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی (روایی و پایایی) و مدل نظری پرسشنامه الگوی ارتباط والد-فرزند، در افراد ۱۵ تا ۳۰ سال شهر تهران، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ش ۱۲، ص ۴، ص ۷۰-۴۱.
۵. بولتون، رابرت (۱۹۹۴)، روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)، ترجمه سهرابی، ح.ر. (۱۳۸۶)، تهران: انتشارات رشد.
۶. به پژوه، احمد (۱۳۸۴)، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، تهران: انتشارات رویش، چاپ ششم.
۷. جاهدی، سهیلا، ژاله رفاهی، اصغر شریفی و سهیلا رجایی چالشتی (۱۳۹۲)، «تعیین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر عزت نفس و شادکامی فرزندان در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر شیراز»، ارمغان دانش، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۱۸، ش ۱۱ (شماره پی درپی ۸۳)، ص ۹۴۵-۹۵۴.
۸. حسین چاری، مسعود و محمدآقا دلاورپور (۱۳۸۵)، «آیا افراد کم‌رو و فاقد مهارت‌های ارتباطی اند؟»، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۳ (۱۰)، ص ۱۲۳-۱۳۵.
۹. خاطری‌نیا، منا (۱۳۸۵)، «عزت نفس در کودکان و نوجوانان»، مجله تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۵۸، ص ۷۲-۶۴.

۱۰. خواجه نوری، بیژن و رودابه دهقانی (۱۳۹۴)، «مطالعه رابطه بین تعارضات خانوادگی و عزت نفس نوجوانان (مورد مطالعه: دانش‌آموزان شهر شیراز)»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳ (۲)، ص ۴۵-۶۱.
  ۱۱. دانش، عصمت، حسین رضابخش، زهرا بهمنی و نرگس سلیمی نیا (۱۳۹۰)، «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان زن دانشگاه»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۵ (۳)، ص ۳۹-۵۵.
  ۱۲. دهباشی، معصومه، عادل‌ه اصلی‌پور و موسی کافی (۱۳۸۴)، «اثربخشی آموزش روابط میان فردی بر دوست‌یابی و عزت نفس دانش‌آموزان دختر»، فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۰ (۳)، ص ۱۰۱-۱۰۸.
  ۱۳. رضازاده، آرش و علی داوری (۱۳۹۲): مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار *pls*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
  ۱۴. رنجبر، فرح‌دخت، شهرروز رهبری، جمیله محتمشی و نوید نصیری اسکونی (۱۳۹۲)، «بررسی همبستگی بین فرایندهای خانواده و عزت نفس بیماران افسرده»، روان پرستاری، ۱ (۴)، ص ۶۶-۷۳.
  ۱۵. رفیعی نیا، پروین (۱۳۸۱)، رابطه سبک‌های ابراز هیجان با سلامت عمومی در دانشجویان، مجله روان‌شناسی، ویژه‌نامه انگیزش و هیجان، ۱۰ (۱)، ش ۱.
  ۱۶. شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴)، روان‌شناسی رشد نوجوانان «دیدگاه تحولی»، تهران: انتشارات نشر علم. چاپ اول.
  ۱۷. طالبیان، پریسا (۱۳۹۱)، «مطالعه اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های شناختی-هیجانی در بهبود و مدیریت هیجانی (خشم، غم، اضطراب) کودکان دبستانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران.
  ۱۸. مارستون، استفانی (۱۳۷۹)، معجزه تشویق: چگونه حس اعتماد به نفس فرزندمان را بالا ببریم، ترجمه تمدن مالکی، توراندخت، تهران: انتشارات علمی.
  ۱۹. مؤید فرید، همام، حمیدرضا آقامحمدیان و سیدمحمود طباطبایی (۱۳۸۵)، «رابطه سبک‌های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی»، مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیت و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، ۳ (۲۰۱)، ص ۶۱-۷۲.
20. Akhter, N., Hanif, R., Tariq, N., & Atta, M. (2011), Parenting styles as predictors of externalizing and internalizing behavior problems among children. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 26(1).

21. Bacon, T.(2016), Emotion regulation: managing Emotions. NHs fife Department of psychology.
22. Bagheri, F;& Ashuri, R. (2013), A comparison of selective Attentions in Equilibrium- oriented and Non- equilibrium- oriented Parent- child Relationship patterns in university students. Life science Journal, 10 (11S).
23. Barati, M; & Bagheri, F.( 2017), Comparison of Resilience in Equilibrium and no Equilibrium parent- child Relation Patterns.Specialty Journal of psychology and management, 3(1), 30-37.
24. Berg, C. A., Butner, J., Wiebe, D. J., Lansing, A. H., Osborn, P., King, P. S., & Butler, J. M. (2017), Developmental model of parent-child coordination for self-regulation across childhood and into emerging adulthood: Type 1 diabetes management as an example. Developmental Review.
25. Burlaka, V., Graham-Bermann, S. A., & Delva, J. (2017), Family factors and parenting in Ukraine. Child abuse & neglect, 72, 154-162.
26. Cheung, P. P., Siu, A. M., & Brown, T. (2017), Measuring social skills of children and adolescents in a Chinese population: Preliminary evidence on the reliability and validity of the translated Chinese version of the Social Skills Improvement System-Rating Scales (SSIS-RS-C), Research in developmental disabilities, 60, 187-197.
27. Chang, C. W., Yuan, R., & Chen, J. K. (2018), Social support and depression among Chinese adolescents: The mediating roles of self-esteem and self-efficacy. Children and Youth Services Review, 88, 128-134.
28. Clark, A. M. (2015), Family Communication Patterns and Adolescent Emotional Well-Being: Cross Classification of Mother-Child and Father-Child Interactions. <http://ir.library.oregonstate.edu/xmlui/handle/1957/56498>.
29. Coetzee, J., Dietrich, J., Otwombe, K., Nkala, B., Khunwane, M., van der Watt, M., & Gray, G. E. (2014), Predictors of parent–adolescent communication in post-apartheid South Africa: A protective factor in adolescent sexual and reproductive health. Journal of adolescence, 37(3), 313-324.
30. Coopersmith, S. (1967). The Antecedents of Self Esteem. W. H. Freeman: San Francisco.

31. Coopersmit, S. (1990). *Manual of Self-esteem Inventory*, Published: consulting Psychologists.
32. Edmondson, J., Grote, L., Haskell, L., Matthews, A., & White, M. (n.d.). (2006). Adolescent selfesteem: Is there a correlation with maternal selfesteem? *Citations*, 3: 1-8.
33. Fox, N. A., & Calkins, S. D. (2003), The development of self-control of emotion: Intrinsic and extrinsic influences. *Motivation and emotion*, 27(1), 7-26.
34. Heerde, JA; Hemphill, SA. Examination of associations between informal help-seeking behavior, social support, and adolescent psychosocial outcomes: A Meta - analysis. *Developmental Review* (2017), <http://dx.doi.org/1001016/j.dr.2017.10.0001>. article In press.
35. Herz, L. & Gullone, E. (1999). The relationship between self-esteem and parenting style: A cross-cultural comparison of Australian and Vietnamese adolescents, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 30 (6), 742-761.
36. Jiménez, T. I., & Estévez, E. (2017), School aggression in adolescence: Examining the role of individual, family and school variables. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 17(3), 251-260.
37. Kilic, S., Var, E. C., & Kumandas, H. (2015), Effect of parental attitudes on skills of emotional management in young adults. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 930-934.
38. Kline, R. B. (2015), *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
39. Kotaman, H. (2013), Freedom and child rearing: Critic of parenting practices from a new perspective. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, 39-50.
40. Kubota, Y. & S. Sasaki (2002). Aerobic Exercise and Self-Esteem". *Children J. Behav. Med*, 24 (12): 127-35.
41. Lippold, M. A., & Jensen, T. M. (2017), Harnessing the strength of families to prevent social problems and promote adolescent well-being. *Children and Youth Services Review*, 79, 432-441.
42. Lucas-Thompson, R. G., Graham, D. J., Ullrich, E., & MacPhee, D. (2017), General and food-selection specific parenting style in relation to the healthfulness of parent-child choices while grocery shopping. *Appetite*, 108, 353-360.

43. McGinn, H. (2014), *The Role of Paternal Emotion Socialization in the Development of Children's Emotion Regulation in the Context of Physical Maltreatment* (Doctoral dissertation).
44. Maltese, A., Alesi, M., & Alù, A. G. M. (2012), Self-esteem, defensive strategies and social intelligence in the adolescence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 69, 2054-2060.
45. Marceau, K., Dorn, L. D., & Susman, E. J. (2012), Stress and puberty-related hormone reactivity, negative emotionality, and parent--adolescent relationships. *Psychoneuroendocrinology*, 37(8), 1286-98. doi:10.1016/j.psyneuen.2012.01.001
46. Moilanen, K. L., & Manuel, M. L. (2017), Parenting, self-regulation and social competence with peers and romantic partners. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 49, 46-54.
47. Noh, C. H. C., Yusoff, F., & Hasim, M. S. (2013), Communication patterns of Malay families in Terengganu, Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 102, 635-642.
48. Osredkar, P. (2012), *The Relationship between Family Communication Patterns and an Individual's Emotional Intelligence*.
49. Pânișoară, G., Sandu, C., Pânișoară, I. O., & Duță, N. (2015), Comparative study regarding communication styles of the students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 186, 202-208.
50. Queendom A. (2004), *Queendom Communication skills test- Revised*. Available online by internet: <http://www.queendom.com/cgi-bin/tests/transfer.cgi>.
51. Roger, D., & Neshoever, W. (1987), The construction and preliminary validation of a scale for measuring emotional control. *Personality and individual Differences*, 8(4), 527-534.
52. Roger, D., & Najarian, B. (1989), The construction and validation of a new scale for measuring emotion control. *Personality and individual differences*, 10(8), 845-853.
53. Randell, E. (2016), *Adolescent boys' health: managing emotions, masculinities and subjective social status* (Doctoral dissertation, Umeå universitet).
54. Raykov, T. (1998), Coefficient alpha and composite reliability with interrelated nonhomogeneous items. *Applied psychological measurement*, 22(4), 375-385.



55. Sadovnikova, T. (2016), Self-esteem and interpersonal relations in adolescence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 233, 440-444.
56. Scott, M. A. (2008), Assessing the effects of parent-child interactions on child communication skills. Graduate theses and Dissertations. [http:// lib. Dr. Iastate. Edu/ ETD/ III.42](http://lib.dr.iastate.edu/ETD/III.42). 2008.
57. Shewark, E. A., & Blandon, A. Y. (2015), Mothers' and fathers' emotion socialization and children's emotion regulation: A within-family model. *Social Development*, 24(2), 266-284.
58. Valkenburg, P. M., Koutamanis, M., & Vossen, H. G. (2017). The concurrent and longitudinal relationships between adolescents' use of social network sites and their social self-esteem. *Computers in human behavior*, 76, 35-41.
59. Van Petegem, S., Brenning, K., Baudat, S., Beyers, W., & Zimmer-Gembeck, M. J. (2018), Intimacy development in late adolescence: Longitudinal associations with perceived parental autonomy support and adolescents' self-worth. *Journal of adolescence*, 65, 111-122.
60. Weidmann, R., Ledermann, T., Robins, R. W., Gomez, V., & Grob, A. (2018), The reciprocal link between the Big Five traits and self-esteem: Longitudinal associations within and between parents and their offspring. *Journal of Research in Personality*, 74, 166-181.
61. Williams, L. R., Degnan, K. A., Perez-Edgar, K. E., Henderson, H. A., Rubin, K. H., Pine, D. S., ... & Fox, N. A. (2009), Impact of behavioral inhibition and parenting style on internalizing and externalizing problems from early childhood through adolescence. *Journal of abnormal child psychology*, 37(8), 1063-1075.
62. Zarra-Nezhad, M., Kiuru, N., Aunola, K., Zarra-Nezhad, M., Ahonen, T., Poikkeus, A. M., & Nurmi, J. E. (2014), Social withdrawal in children moderates the association between parenting styles and the children's own socioemotional development. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 55(11), 1260-1269.
63. Zhang, X. (2013), Bidirectional longitudinal relations between father-child relationships and Chinese children's social competence during early childhood. *Early Childhood Research Quarterly*, 28(1), 83-93.